



نشر کا نامہ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه : دریابندری، نجف، ۱۳۰۸-۱۳۹۹.
عنوان و نام پدیدآور : به عبارت دیگر (مجموعه مقاله‌ها) / نجف دریابندری.
مشخصات نشر : تهران: نشر کارنامه، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۳۶۶ ص:؛ ۱۴ × ۲۱/۵ س.م.
فروست : کارنامه نقد و نظر؛ ۸.
شابک : ISBN 978-964-431-147-5
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.
موضوع : مقاله‌های فارسی — قرن ۱۴.
موضوع : Persian essays — 20th century
رده‌بندی کنگره : PIR ۸۰۴۱
رده‌بندی دیویی : ۸۴۴/۶۲
شماره کتاب‌شناسی ملی : ۱۰۳۱۹۳۱۲
اطلاعات رکورد : فیبا.



کارنامه نقد و نظر



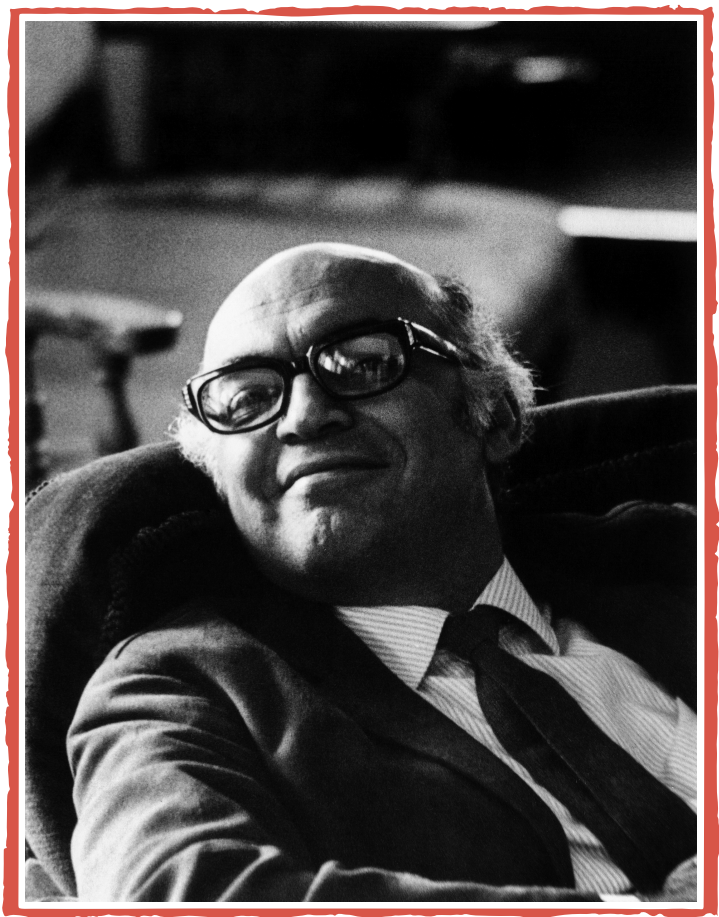
به یاد محمد زهرایی

• ۱۳۹۲-۱۳۲۸ •

بنیان‌گذار نشر کارنامه



بہ عبارت دیگر



بہ عبارت دیگر

مجموعۂ مقالہ‌ها

• از ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۳ •

— نجف دریابندری —

تهران، ۱۴۰۴



مجموعه مقالاتها
تجف دریا بندری



آماده سازی
کارگاه نشر کارنامه
حروف چینی و صفحه آرای
زهره جعفرپور، شهلا شمس و عادل قشقایی

واحد گرافیک 12
استودیو دوازده
فریبا رهدار

عکس صفحه ۶
کریم امامی
طراحی عنوان و جلد
سهیل حسینی
ناظر چاپ
محسن حقیقی
لینوگرافی
فرایند گویا
چاپ و صحافی
غزال

چاپ اول، ۱۴۰۴ ۵۵۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای نشر کارنامه محفوظ است.
هرگونه استفاده از کتاب آرایشی و عناصر آرایشی این کتاب اکیداً ممنوع است. همچنین هر نوع استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، کتاب صوتی و الکترونیک و نشر در فضای مجازی)، کلاً و جزئاً، ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مراکز پخش و فروش:

پخش کارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شماره ۱۳۵، تلفن: ۴۶۱۱۷۹۸۵، ۳۶۱۱۷۹۸۶ و ۹۱۲۶۴۳۹۱۵۱
فروشگاه بزرگ شهر کتاب نیاوران با همکاری نشر کارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شماره ۱۳۷
تلفن: ۲۲۲۸۵۹۶۹ • فکس: ۲۲۸۰۸۱۹۲

نشر کارنامه: خیابان کریم خان زند، تقاطع میرزای شیرازی، شماره ۱۱۱، واحد یک، تهران: ۱۵۹۷۹۸۵۷۳۱، تلفن: ۸۸۹۰۴۰۸۳

www.karnamehpub.com



فهرست

مقدمه

۱۳ |

یادداشت نویسنده

۱۹ |

۱ نقد و نظر

۲۱ |

ساکنان هرم ستر و عفاف

۲۳ |

دو روی داستان یک شهادت نقدی برنمایش «قلندرگونه»

۴۱ |

خاطرات یک نسل پاک باخته «قیام افسران خراسان»

۵۱ |

به عبارت دیگر

۲ یاد گذشتگان

❧ | ۶۳ | ❧

هوشنگ پزشکی‌نیا

❧ | ۶۵ | ❧

اریک فروم

❧ | ۷۳ | ❧

آرتور کسلر: خزر مرد سرگردان

❧ | ۷۹ | ❧

گفتار اول: آغوش ولرم

❧ | ۱۰۳ | ❧

گفتار دوم: مسابقهٔ مشت زنی

❧ | ۱۲۹ | ❧

۳ یک سخنرانی و یک مصاحبه

❧ | ۱۶۳ | ❧

طومارهای بحرالْمیت

❧ | ۱۶۵ | ❧

حق تألیف

❧ | ۱۷۷ | ❧

۴ سیری در نقاشی

❧ | ۱۸۹ | ❧

کوبیسم چیست؟

❧ | ۱۹۱ | ❧

«امپرسیونیسم» در نقاشی

۱۹۵ | ۵

آلفرد سیسلی

۱۹۹ | ۵

ادوار مانه

۲۰۳ | ۵

ژرژ براک

۲۰۷ | ۵

کامی پیسارو

۲۱۱ | ۵

کلود مونه

۲۱۵ | ۵

آگوست رنوار

۲۱۹ | ۵

پل سزان

۲۲۳ | ۵

ونسان ون گوگ

۲۲۹ | ۵

پل گوگن

۲۳۵ | ۵

ژرژ سورا

۲۳۹ | ۵

هانری دوتولوز لوترک

۲۴۳ | ۵

به عبارت دیگر

ادگار دگا

❶ | ۲۴۷ | ❷

دادا

❶ | ۲۵۱ | ❷

سوررئالیسم

❶ | ۲۵۵ | ❷

نقاشی انتزاعی

❶ | ۲۶۱ | ❷

هانری ماتیس

❶ | ۲۶۷ | ❷

هانری روسو

❶ | ۲۷۳ | ❷

سالوادور دالی

❶ | ۲۷۹ | ❷

پیکاسو، همزاد قرن

❶ | ۲۸۵ | ❷

۵ دو مقاله فلسفی

❶ | ۲۹۳ | ❷

توضیح و شبه توضیح

❶ | ۲۹۵ | ❷

عقلانیت غیرعقلانی

بحث انتقادی مختصری درباره فلسفه اجتماعی کارل پوپر

❶ | ۳۰۹ | ❷



مقدمه

آقای فرخ امیرفریاریار، در حدود سال ۱۳۶۳، یعنی در حدود سال چهارم جنگ ایران و عراق، بر این اعتقاد است که مقالات نجف دریابندری دربارهٔ چیزهای جور و واجوری که در طول سالیان مختلف نوشته، شایستهٔ گردآوری کردن و کتاب شدن است. با وجود این که کتاب در عین حال قبلاً در سال ۱۳۴۹ منتشر شده، و چند بار هم تجدید چاپ شده، شاید تا این زمان خیلی از خواندگانی که با ترجمه‌های نجف دریابندری آشنایی دارند، هنوز از نوشته‌های ایشان بی‌خبر باشند. به هر حال، آقای امیرفریاریار تشخیص خوبی داده، و با وجود این که نجف دریابندری آدم خیلی منظمی نیست و حتی لزوماً نسخهٔ چاپ شده‌ای را از ترجمه‌های خودش در کتابخانه‌اش نگه‌داری نمی‌کند، ایشان مقاله‌ها را گردآوری می‌کند و محتوای کتاب به عبارت دیگر را فراهم می‌کند.

نجف دریابندری مقاله‌نویس نیرومندی است که خیلی وقت‌ها مقاله‌هایش سرنوشت‌ساز می‌شوند. زمانه هم زمانهٔ مجله‌ها و مقاله‌هاست و آن کسی را که ما امروز در زبان انگلیسی با لغت «اینفلوئنسر» می‌شناسیم، اگر در آن دوران وجود خارجی داشته باشد، در کالبد شخصی مثل نجف دریابندری زندگی می‌کند. نقدِ او بر نمایش‌نامهٔ «قلندرگونه» اثر مرحوم ایرج صغیری برای خود صغیری چنان مهم است که او اصرار دارد این نقد را به همراه متن نمایش‌نامه در کتابش چاپ بکند. او معتقد است که نمایش‌نامه‌اش با این نقد بهتر فهمیده می‌شود. در این

نقد، اگر درک دریابندری از مفهوم «شهادت» دقیق‌ترین و خوب‌ترین شرح بر این موضوع نباشد، به طور قطع از بهترین‌هاست.

در بخش «یاد گذشتگان» یکی از دو نوشته مهم او را درباره هوشنگ پزشک‌نیا می‌بینیم که اگر این نوشته‌ها نبود امروز این نقاش برجسته مدرنیست را به خوبی نمی‌شناختیم. در «آغوش ولرم» و «مسابقه مشت‌زنی» بخشی از یک زدو خورد قلمی دریابندری با عباس میلانی و فرامرز تهریزی را می‌بینید که در زمان خودش هیاهوی زیادی بر پا کرد. در این مقاله‌ها می‌شود توانایی نجف دریابندری را در جدال قلمی دید، و البته نگاه دریابندری را به قواعد و اخلاق حاکم بر چنین زدو خوردی می‌بینید. هر چند موضوع کتاب خزران که با نام قبیله سیزدهم هم ترجمه شد و به چاپ رسید، کم و بیش بی‌اهمیت شده، چرا که علم ژنتیک فرض بنیادی این کتاب آرتور کسلر را به کلی رد می‌کند. در واقع نسخه انگلیسی کتاب دیگر «به روز» نیست و منسوخ شده. شاید بتوان گفت که سرنوشت این کتاب و حتی کتاب‌های دیگر کسلر که در این مقاله‌ها مورد بحث هستند، تا حدی به نفع نجف دریابندری بود، اما به هر حال به نظر من مهم‌تر این است که ببینیم این زدو خورد قلمی پرهیاهو و مشهور با رعایت چه قواعدی از سوی دو طرف انجام شد، و اهداف نویسندگان از برگزاری این مسابقه چه بود.

به نظرم در زدو خوردهای حال حاضر جهان، رفته‌رفته، ستیز میان چپ و راست و یا بالا و پایین جای خودش را با ستیز دیگری عوض می‌کند؛ ستیز هوشمند و کم‌هوش، و یا واضح‌تر بگوییم، دانا و احمق. ممکن است به نظر خواننده برسد که منظور من احمق خواندن یک سو و دانا خواندن سوی دیگری است، اما به هیچ وجه چنین قصدی در کار نیست. منظور این است که امروز پایه‌های اخلاقی نقد و نظر و تحلیل، و عقلانیت اهمیت زیادی پیدا کرده چون از هر سویی کم‌تر به چشم می‌خورد.

در مقالاتی که در این کتاب در دست شماست، همچنین با یک مغز تحلیل‌گر توانمند روبه‌رو هستید. دریابندری یک منتقد و یا مقاله‌نویس معمولی نیست. او توانایی خاصی در تحلیل کردن دارد و با موضع روشن حرف می‌زند، و این کار را با بهره‌گیری از توانایی‌های مختلفی که در زبان فارسی نهفته شده، چنان انجام می‌دهد که گاهی آسان به نظر می‌رسد، و گاهی هم مثل یک شعبده‌باز آدم را چنان مسحور می‌کند که یا برای لحظه‌ای اصل مطلب را فراموش می‌کنیم و یادمان

می‌رود که متن دربارهٔ چه بود، یا شک می‌کنیم که نکند دریابندری با این کارها حواس‌مان را پرت کرده باشد و به نوعی هیپنوتیزم دچار شده‌ایم، و در نتیجه ممکن است چیزی را بپذیریم و باور کنیم که لزوماً درست هم نباشد. و البته این خوب است که حواس‌مان همیشه جمع باشد که گول نخوریم، و چه بسا همین چشم ما را باز و هوش ما را تیزتر نگاه دارد. به هر حال به نظر من در مورد مقالات نجف دریابندری می‌شود گفت که هر چه باشد، باعث نوعی حس تیزهوشی و افزایش نیروی اندیشهٔ خواننده می‌شود. ظاهراً هدف او هم همین بوده. از دید او، قرار نیست که خواننده خیلی هم راحت باشد، اما قرار هم نیست که به او خیلی سخت بگذرد.

از طرفی، چنان‌که از سرنوشت مقالات قدیمی تاریخ ادبیات آشکار می‌شود، هرچند زیبایی کلام، یک هدف مهم و اساسی برای هیچ مقاله‌ای نیست، در بقا و جاویدانی، اثر می‌گذارد. مقاله‌های نجف دریابندری هنوز هم «معاصر» به حساب می‌آیند، اما به احتمال زیاد در روزگاری که دیگر «معاصر» نباشند نیز ارزشی خواهند داشت. به هر حال این داوری را زمان انجام خواهد داد و بس.

در مورد این‌که چرا این مقاله‌ها را «مقاله» نامیدیم، باید گفت که ما این کار را نکردیم. خود نجف دریابندری این کار را کرده. به نظر من هم ایراد خاصی در این کار نیست. این کتاب اولین بار در سال ۱۳۶۳ با شرح «مجموعهٔ مقالات» چاپ شده. اخیراً عده‌ای از اشخاص به دلایلی که برای من روشن نیست، اصرار می‌کنند که باید به جای مقاله، بنویسیم «جستار»، و این اصرار در حدی است که مجبورم توضیح کوتاهی در این‌جا بنویسم. قدیمی‌ترین جایی که ما در آن کلمهٔ «جستار» را دیده‌ایم، در قرن چهارم هجری قمری، در کشف‌المحجوب نوشتهٔ «سجستانی» است که کتاب را با بخش‌هایی به نام «مقاله» تقسیم‌بندی کرده، و بعد هر مقاله را به چند «جستار» طبقه‌بندی کرده. و بعد هم دیگر اثری از جستار دیده نمی‌شود، تا کتاب جستارهای فلسفی که ترجمهٔ آقای میرشمس‌الدین ادیب سلطانی از مقالات برتراند راسل است. از قضا این کتاب هم در همین سال ۱۳۶۳، مقارن با به عبارت دیگر به چاپ رسید. مقداری از این اطلاعات را مدیون جست و جوی دوست گرامی‌ام آقای علیرضا نبوی هستم، که البته هنوز تحقیقش کامل نشده و ممکن است اسناد دیگری یافت بشود که این موارد را تغییر بدهد. بنده دشمنی خاصی با کلمهٔ جستار ندارم، ولی خودم نیز از این کلمه استفاده

نمی‌کنم، و دیگرانی هم که استفاده می‌کنند به یک معنا و با یک تعریف مشترک و مشخص استفاده نمی‌کنند. از همه این‌ها هم که بگذریم، نجف دریابندری هم این کار را نکرده، و من روا نمی‌بینم که این لغت را در دهان او بگذاریم. دیگر این‌که، اگر بخواهیم به موضوع «عربی‌زدایی» از زبان فارسی اشاره‌ای بکنیم، می‌توانم بگویم که نجف دریابندری در شمار نویسندگانی بود که به چنین کاری اعتقاد نداشت و مانند خیلی از هم‌دوران‌ها و یا رفقای خودش، اعتقاد داشت که شکوفایی زبان فارسی، پس از ورود زبان عربی شکل گرفته. و البته اعتقاد ایشان بر این بود که فارسی امروز بیشتر بر شعر کهن یا کلاسیک تکیه کرده. این‌ها را گفتم، چون هر زمان که درباره نجف دریابندری صحبتی به میان می‌آید، بیشتر بزرگان فارغ از این‌که با او در امور مختلف موافق باشند یا خیر، به نشر دریابندری اشاره می‌کنند و آن را از نمونه‌های درخشان نشر فارسی در زمان معاصر برمی‌شمارند.

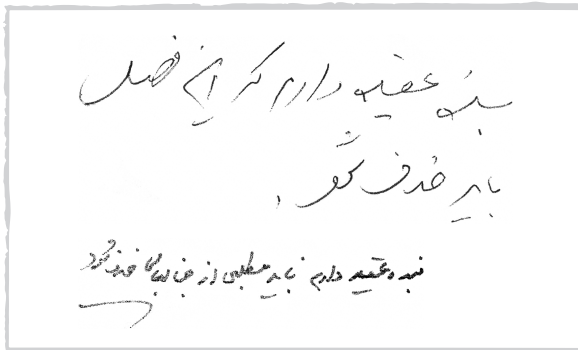
از جمله هنرهای نجف دریابندری این را هم می‌شود گفت که عنوان‌های جالبی را برای مقالات و کتاب‌هایش برگزیده، و در عین حال سرآغاز زنجیره‌ای شد که با به عبارت دیگر ادامه یافت و این عنوان را هم خود او برگزید. این دو کتاب، برای مدت طولانی به چاپ نمی‌رسیدند. دلیل خاصی هم شاید نداشت. بیشتر شاید علش این بود که استاد نجف و بعد از او، خودم، چنان مشغول کارهای دیگر و مشکلات ریز و درشت بودیم که نمی‌شد. مشکلات ما حکایت دشواری است که شاید روزی خودش کتابی بشود.

در این میان، باید یادی از ارسطو کرد، که مفهوم «ترس از خلاء» را او مطرح کرد. او معتقد است که در هستی خلاء معنا ندارد. و یا به عبارتی، طبیعت از خلاء بیزار است. گویا جهان چنین آفریده شده، که هیچ فضایی خالی نمی‌ماند. جایی را که ما خالی بگذاریم، به طور قطع کسان دیگری پر خواهند کرد. در غیاب اقدام از جانب ما، و سکوت درباره چیزهای مختلف، راه برای تخیل و گاهی دروغ‌پردازی باز ماند.

یک وقتی متوجه شدم مقدمه‌های استاد نجف هم به عنوان نوشته‌های مستقل مورد توجه قرار گرفته و اشخاص مختلفی به آن‌ها توجه دارند. از این رو به زنده‌یاد محمد زهرایی پیشنهاد کردم که این‌ها را گردآوری کند و استاد نجف نام این مجموعه را «در باغ سبز» گذاشت. این را من زیاد نپسندیدم، و عنوان

از این لحاظ را که از قماش دو عنوان قبلی بود پیشنهاد کردم. پسندیده شد و این را برگزیدند. چند سال بعد هم قرار شد که سایر مقالات و احتمالاً مصاحبه‌های نجف دریابندری گردآوری و منتشر بشود که عنوان آن را نیز از خاطره و حافظه آقای رضا خاکیانی به دست آوردیم، که گفت روزی با خود آقای دریابندری چنین عنوانی را در نظر گرفته‌اند: «به طور کلی». این کتاب هم در دست آماده‌سازی است. کارش هم به کندی پیشرفت کرده. عنوان «به هر حال» هم پیشنهاد شده بود، اما تلاش بر این است که کل مقالات چاپ نشده در کتاب آخری گردآوری بشود و بعد به سراغ کارهای دیگر برویم.

یکی دیگر از دلایل این وقفه طولانی در کتاب به عبارت دیگر، این بود که آقای محمد زهرایی بعد از انتشار کتاب مستطاب آشپزی، به صرافت افتاده بود که با استفاده از مقالاتی که در خصوص نقاشی در این کتاب آمده، یک کتاب جدید و مفصل و به همان ترتیب مستطابی را منتشر بکند، با عنوان «امپرسیونیسم و کمی بعد» که قرار بود دارای تصاویری از نقاشی‌ها باشد، و مقاله‌های متعددی به آن‌ها افزوده بشود، و خلاصه خیلی خوب و بزرگ و گران باشد، که البته میسر نشد، و اکنون تنها چهار مقاله به بخش «سیری در نقاشی» در همین کتاب اضافه می‌شود. این جزوه را آقای زهرایی برای بررسی در اختیار آقای مشکی گذاشته بود و استاد مشکی هم آن را در اختیار من گذاشتند. در جزوه‌ای که آقای مشکی به من داد، علاوه بر چند اصلاح و یادداشت به خط استاد نجف و یک نوشته کوچک به خط مرحوم زهرایی، مقاله‌های ژرژ براک، کامی پیسارو، ادوارد مانه



و آلفرد سیسلی اضافه شده بود. از این بابت از آقای مشکی متشکرم. این چهار

مقاله را که البته نسخه‌ای از آن‌ها در میان فایل‌های حروف چینی شده نشر کارنامه هم موجود بود به این مجموعه افزودیم.

در پایان، این‌که مشاوری و کار ویرایش دوست گرامی و دانشمند آقای محمد شریفی این کتاب را به شکل پاکیزه‌تر و بهتری درآورد و حضور ایشان برای من موهبتی بود و لطف و مهربانی ایشان فراموش شدنی نیست. طبق گزارشی که محمد شریفی پس از ویرایش متن به من داد، تنها یک اشتباه اصلاح شد (عهد جدید به جای عهد عتیق، ص ۱۷۴)، و تعدادی از گیومه‌گذاری‌ها — که «مخصوصاً در پاسخ به نقدها» بسیار زیاد بود — «بدون این‌که به مقصود لطمه‌ای وارد بشود» حذف و تعدیل شد. امروزه خیلی از واژگان جدید یا غربی نظیر نام مکاتب ادبی و هنری، شناخته شده هستند و نیازی به آن نیست که آن‌ها را به قول خود نجف دریابندری «با انبر گیومه» بگیریم و جدا بکنیم، و این‌که امکانات حروف چینی امروزی بیشتر است و از حروف «مایل» و «درشت» و نظیر این‌ها هم بیشتر بهره‌مندیم. دیگر، معدودی اشکالات واضح متن چاپی اصلاح شد. بنابراین، ویرایش بسیار اندک بوده و از این نظر به چاپ اول بسیار نزدیک است، و از آن چاپ بهتر هم هست.

در عین حال و به عبارت دیگر اولین کتاب‌هایی هستند که پس از مدت‌ها زیر عنوان «مجموعه دریابندری» منتشر می‌شود. هدف از این عنوان، پیش از هر چیز، اعتماد به اصالت متن و درستی متن است که با نظارت دقیق بر کیفیت امور ویرایشی و روند انتشار فراهم می‌شود. قصد داریم از این پس برخی از آثاری که به دلایل گوناگون از انتشار با شرایط درست بی‌بهره مانده‌اند و یا آثاری که تاکنون منتشر نشده و یا آثاری که نیاز به توجه خاص دارد را زیر این عنوان منتشر کنیم. امیدوارم که مورد پسند و عنایت خوانندگان محترم باشد.

سهراب دریابندری

۲۳ مهر ۱۴۰۴



یادداشت نویسنده

این کتاب مجموعه‌ای است از مقالاتی که میان سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۳ از نویسندهٔ این سطور در مطبوعات منتشر شده است — به اضافهٔ دو مقالهٔ منتشرنشده که بخش آخر کتاب را تشکیل می‌دهد. دادن این هشدار لازم به نظر می‌رسد که این مقالات، به دلیل آن‌که در فواصل طولانی و به مناسبت‌های گوناگون نوشته شده‌اند، به هیچ روی یکدست یا در یک تراز نیستند؛ اما این امری است که گمان می‌کنم در برخورد با هر مجموعه‌ای از مقالات پراکنده پیش می‌آید، و در هر حال توجیه آن جز با عذرخواهی میسر نیست.

گردآوری و تدوین این مقالات را نویسنده مدیون علاقه و کوشش آقای فرخ امیرفریار است، و مایل است سپاس خود را از محبت ایشان در این جا ثبت کند.

ن. د.